

### شناخت یسنای هفت فصل اوستای مزدیسنان و مفاهیم آن

دکتر کیومرث چراغی<sup>۱</sup>

#### چکیده

کتاب اوستا به زعم زردشتیان در زمرهٔ متون و حیانی قوم ایرانی است که از جانب اهوره مزدا و توسط وهومنه فرشتهٔ وحی بر «زره‌توستر» پیامبر آریایی نازل شده است. یسنا یکی از اجزای اوستای ایرانیان است که معتبرترین بخش سرودهای زردشت به نام «گاتها» یا «هاتها» در آن قرار گرفته است. این نوشتار با روش توصیفی و تحلیل محتوای متون ایرانی به معرفی یسنای هفت فصل ایرانیان باستان و بررسی مفاهیم مندرج در آن می‌پردازد. در این پژوهش مفاهیمی مانند «اشه»<sup>۲</sup> امشاسپندان، فرَوهر، آتش و آتشگاه‌های «زردشتی بر اساس هپتنگ‌هایتی یا یسنای هفت فصل مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

**کلید واژگان:** اوستا، یسنا هفت فصل، آتش، فرَوهر و اَشه.

---

۱. استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران.

Dr.cheraghi109@yahoo.com

۲. Asha.

## ۱- مقدمه

اوستا کتاب دینی زردشتیان است. این کتاب، همانند دیگر کتب دینی همچون وداها، اوپانیشادهای هندی، تریپیتکه<sup>۱</sup> بودایی و عهد قدیم و عهد جدید مدت‌های مدیدی به صورت شفاهی و سینه به سینه انتقال یافته، و در یک برهه زمانی بنا به دلایل گوناگون به صورت مکتوب در آمده است. یکی از ویژگی‌های متون دینی ادیان گوناگون نه تنها عدم پیوستگی این متون و نداشتن انسجام خاص است، بلکه از قطعات پراکنده‌ای تشکیل شده اند. اوستا نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و دارای قطعات مختلفی است که هم از لحاظ قدمت و هم از لحاظ قواعد زبان شناختی و دستوری با هم تفاوت دارند و به همین دلیل نیز این کتاب را به اوستای کهن و متأخر تقسیم کرده اند.

متون کهن اوستایی شامل گاهان و یسنای هفت فصل و پاره ای از دعا‌های معروف زردشتی است. این بخش، یک ششم اوستا را شامل می‌شود و پنج ششم دیگر آن را اوستای متأخر شکل می‌دهد که عبارتند از: یسنا، ویسپرد، یشتها، وندیداد و خرده اوستا. حال یکی از این قطعات کهن اوستا را که به «هپتنگ‌هایتی»<sup>۲</sup> موسوم است، معرفی می‌نماییم.

## ۲- چگونگی یسنای هفت فصل

هپتنگ‌هایتی یا یسنای هفت فصل<sup>۳</sup> یسن‌های ۳۵ تا ۴۱ را شامل می‌شود. این فصل‌ها به ترتیب ۵، ۵، ۴، ۵، ۶، ۱۰ بند دارند و پس از گاهان، قدیم ترین بخش اوستا است و دارای نوعی صنعت ادبی هند و ایرانی است که حکایت از میراث مشترک اقوام هند و ایرانی دارد. (نک: گلدنر، ۱۳۸۲: مقدمه ژاله آموزگار، ص ۱۸)

<sup>۳</sup> . Tipitika.

<sup>۴</sup> . Haptang Haiti.

<sup>۵</sup> . Yasna of seven chapters.

یسنای هفت فصل، دعاها و نیایش‌هایی هستند که مؤمنان زردشتی آنها را در محافل مذهبی و مناسک دینی به صورت گروهی و جمعی قرائت می‌کردند. دلیل ما بر این مدعا صیغه‌ی جمع فعل "می ستاییم" است که به کرات در این متون به کار رفته است. (همان)

یسنای هفت فصل، هر چند که به نثر نوشته شده‌اند، ولی به لهجه گاهانیک هستند. عده‌ای حتی معتقدند که یسنای هفت فصل از سروده‌های خود زردشت است، ولی در این مسأله اختلاف نظر وجود دارد. پروفیسور "کارل هوفمان"<sup>۶</sup> از جمله کسانی است که این متون را از سروده‌های شخص زردشت می‌داند. درون مایه و محتوای کلی این هفت فصل در ستایش اهورامزدا، روان نیکوکاران، امشاسپندان، آتش و آفرینش نیک اهورایی است. (Jackson, A.V, V2, P. 208)

برخی از پژوهشگران هات ۴۲ را نیز دنباله این هفت هات به شمار می‌آورند، اما زبان و موضوع آنها با هفت هات یکسان نمی‌باشد و احتمال می‌رود که پس از آنها به نگارش درآمده باشد.

در هر حال مجموع این هشت هات در میان هات ۳۴ (پایان اهنودگاه) و هات ۴۳ (آغاز اشتودگاه) قرار دارند. (دوستخواه، ۱۳۸۲: پیشگفتار ص ۳۴) اینک به اختصار به گزارش این هفت فصل و محتوای دینی - عقیدتی آنها می‌پردازیم.

## ۱/۲- هات ۳۵

این هات دارای ۱۰ بند است و با ستایش اهورامزدا، امشاسپندان و هستی‌های پاک دنیوی و مادی شروع می‌شود، بدان امید که راستی و درستی و دین نیک مزديسنا تقویت شود و افزون گردد. (بند: ۱)

در بند (۲) سه اصل اساسی دین زردشتی یعنی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک مورد ستایش قرار می‌گیرد. در بند (۳) مؤمنان خطاب به اهورا مزدا اظهار می‌-

<sup>6</sup> . Carl Hoffmann.

دارند که اندیشه، گفتار و کردار آنها در طریق اشته زیبا بوده و این ره سپردن در طریق اشته زیبا را بهترین چیز برای وصول به سر منزل سعادت و رستگاری دو جهان می‌دانند. در بند (۴) مؤمنان زردشتی در ضمن ستایش خود بهترین بهترین کردار را به دانایان و نادانان، شهرباران و شهروندان توصیه می‌کنند تا بدین وسیله موجب آبادانی و افزونی جهان مادی گردند. در بند (۵) فرمانروایی را از آن کسی می‌دانند که بهتر فرمانروایی کند و این فرمانروا جز اهورامزدا و اردیبهشت کس دیگری نمی‌تواند باشد.

در بندهای (۶ و ۷) آمده است که آنچه هر مرد و زنی از راستی و درستی درمی‌یابد آن را به مرحله فعلیت و کردار برساند و عمل به آن راستی‌ها و درستی‌ها را به دیگران نیز بیاموزد تا آنان نیز بدان عمل کنند (= امر به معروف)، اهورا مزدا را ستایش کنند و برای آبادانی جهان که از آفریده‌های نیک اهورایی در مبارزه با اهریمن است بکوشند. در بند (۸) آمده است که ره سپردن در طریق اشته زیبا و قرین بودن با آن رستگاری دو جهان را به همراه خواهد داشت.

در بند (۹) مؤمنان در ضمن ستایش خود بیان می‌دارند که گفتار فرو فرستاده اهورامزدا را با بهترین منش گسترش می‌دهند و زردشت را آموزگار آن می‌دانند. در بند پایانی یعنی بند (۱۰) نیز سه جلوه از جلوه‌های اهورامزدا یعنی اشته، بهمن و شهریور مورد تمجید و ستایش قرار می‌گیرند. (نک: یسنا، هات ۳۵)

در این «هات» پس از اهورا مزدا، امشاسپندان مورد ستایش قرار گرفته‌اند. حال ببینیم امشاسپندان کیستند؟ در گاهان از امشاسپندان به عنوان آفریدگان معنوی که حمایت و نگهداری پدیده‌های مادی را بر عهده دارند نامی برده نشده است. در گاهان امشاسپندان مفاهیم مجردی هستند که هر یک نمایانگر جلوه‌ای از جلوه‌های اهورامزدایند. (نک: یسنا، هات ۴۷ و ۴۵)

این کلمه برای نخستین بار در یسنای هفت فصل (= یسنای ۳۴) و به صورت «امش سپنت»<sup>۱</sup> آمده است و روی هم رفته به معنای «بی‌مرگان مقدس» می‌باشد و

<sup>۱</sup>. Amasha Sepanta.

یک یشت اوستا موسوم به «هفتن یشت» در ستایش آنهاست. (برای اطلاع بیشتر نک: اوستا هفتن یشت).

علاوه بر یشت مذکور بعضی از امشاسپندان چون خرداد و اردیبهشت در اوستا دارای یشت خاص خود نیز هستند. (نک: خرداد یشت، اردیبهشت یشت)

امشاسپندان از ذات خود هرمزد هستند و در بارگاه اهورامزدا هر یک دارای وظیفه‌ای خاص هستند. هرمزد صفاتی را که خود به کمال دارد، در این شش تن متجلی می‌سازد و در واقع امشاسپندان کثرتی از وحدت هرمزدی هستند. این شش تن که از یاران و مشاوران هرمزد در امر آفرینش هستند با خود هرمزد که در رأس آنها قرار دارد، هر یک هفت آفرینش مادی را پاس می‌دارند. (ویسپرد، کرده ۷، بند ۴)

امشاسپندان خود نیز همزمان آفریده نمی‌شوند. نخست بهمن که اندیشه‌ی نیک است آفریده می‌شود و آن گاه به ترتیب پنج امشاسپند دیگر یعنی اردیبهشت (= بهترین راستی)، شهریور (= شهریاری نیک)، سپندارمذ (= شایستگی مقدس)، خرداد (= سلامتی و کمال) و مرداد (= بی مرگی) آفریده می‌شوند. هرمزد خود نیز خطاب به زردشت با همان ترتیب از آنها نام می‌برد: ای زردشت این است بهمن آفریده من، ... ای زردشت اینانند خرداد و مرداد... (هرمزد یشت، بند ۲۵)

ترتیب قرار گرفتن امشاسپندان نزد هرمزد نیز به تناسب وظیفه‌ای که بر عهده دارند، مشخص می‌شود. هرمزد که خود برترین امشاسپند و فرمانروای آنهاست در بالا قرار می‌گیرد و سه امشاسپند مذکر (= بهمن، اردیبهشت و شهریور) در سمت راست و سه امشاسپند مونث (= سپندارمذ، خرداد، مرداد) در سمت چپ هرمزد جای دارند و "سروش" که گاه هفتمین امشاسپند محسوب می‌شود در پیش روی هرمزد می‌ایستد. (بندهش، ۱۴ - ۱۵)

هرمزد آسمان را به نشان شش امشاسپند و شش آفریده‌ی خود به شش پایه قرار می‌دهد جایگاه امشاسپندان در ششمین پایه است که به بارگاه هرمزد در روشنی بیکران پیوسته است. (بندهش)

هر یک از امشاسپندان وظیفه‌ی خاصی دارد: ۱- بهمن (اوستا: وهمنه) برترین جلوه‌ی اهورامزدا پس از سپندمینو است، او در پایان جهان به همراه سروش و مردمان روشن‌کردار را می‌سنجد و راهنمای زردشت به سوی اهورامزدا است. معنای نام او اندیشه و منش نیکو است و خود پشتیبان انسان است. ۲- اردیبهشت (اوستایی: اشه وهیشه) به معنای بهترین راستی است. اهورامزدا او را با نیروی خرد خویش آفریده است. او نگهبان مرغزارهاست و آتش را می‌پاید. ۳- شهریور (اوستایی: خستره وئیره) به معنای شهریاری دلخواه است. او نگهبان فلزات و مظهر شهریاری اهورایی است. ۴- سپندارمذ (اوستایی: اسپننه آرمیتی) به معنای اندیشه و فداکاری مقدس است. او پرورش دهنده‌ی آفریدگان، دختر اهورامزدا و خود ایزد بانوی زمین است. ۵- خرداد (اوستایی: هئوروتات) به معنای تمامیت و کمال است و نگهبان آبهاست. ۶- امرداد (اوستایی: امرتات) به معنای بی‌مرگی است. او نگهبان گیاهان و خوردنی‌هاست. نام او با خرداد با هم می‌آید. (بهار، ۱۳۷۵: ص ۴۱؛ بندهش، ۷-۳۴)

"خرداد و مرداد" گرسنگی و تشنگی " زشت را شکست می‌دهند. (زامیاد یشت ، بند ۹۶). خرداد تجلی کمال هرمزدی است و آبادانی جهان به سبب وجود اوست چرا که نگهبان آب است که روشنی و شادی بخش زمین است. (بندهش ، ۹-۱۷۸)

خرداد بر سال و ماه و روز یعنی همه چیز سرور است. (همان) و سرنوشت آفریدگان مادی که به دست غیبی سرنوشت‌سازان وابسته است در روز خرداد تعیین می‌شود (همان) نیک زیستن آفریدگان را به او نسبت می‌دهند. (همان) همکاران نزدیک او تیر، باد و فروردین هستند و تجلی مادی او آب است. آن که آب را آلوده کند خرداد را آزرده است و آن که آب را بستاید و رامش بخشد خرداد را خشنود کرده است. (همان)

## ۲/۲- مباحث هات ۳۶

این هات پیرامون ستایش آتش است. در این هات آذر، وسیله‌ای است که مؤمنان زردشتی با توسل به آن به اهورامزدا نزدیک‌تر می‌شوند بند ۱. و بهترین شادی‌ها را از او طلب می‌کنند (بند ۲) و نیز بهترین نمازها را به او تقدیم می‌کنند تا آن‌ها را دریابد و آذر، تجلی و جلوه‌ی اهورا مزدا است. (بند ۵) (نک: یسنا، هات ۳۶)

پیدایش آتش در بین انسان‌ها بزرگترین هدیه آسمانی تعبیر شده است و آتش و آتشکده در زندگی ایرانیان، هندیان و رومیان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است و آن اقوام تمام عبادات و نیایش‌های خود را در جوار آن انجام می‌دادند.

آتش در بین زردشتیان از چنان اهمیت والایی برخوردار بوده و هست که بعضی‌ها حتی تهمت آتش‌پرست بودن به آنها زده‌اند، ولی واقعیت آن است که زردشتیان هیچ‌گاه آتش‌پرست نبوده‌اند؛ بلکه آتش را رمز و سمبل اهورا مزدا و پاکی و پاکیزگی می‌دانند. در مسیحیت نیز صلیب رمز عیسی مسیح است. آتش‌پرست بودن زردشتیان به همان اندازه غلط است که صلیب‌پرست بودن مسیحیان. فردوسی حماسه سرای بزرگ ایران نیز در شاهنامه در این باره چنین سروده است:

نگویی که آتش پرستان بُدند! پرستنده‌ی پاک یزدان بُدند(فردوسی، ۱۳۷۴)

در دین زردشتی، آتشکده، محور اصلی زندگی و حیات دینی بوده است. آتشکده‌ها در ایران باستان نه تنها عبادتگاه، بلکه دادگاه، درمانگاه و دبستان نیز بوده‌اند و نیز آتشکده‌ها مجهز به کتابخانه‌های جامعی بودند که مورد استفاده‌ی اهل علم قرار می‌گرفت. آتشکده‌ها مکان‌های مقدسی بودند که بایستی از هرگونه آلودگی به دور باشد و نگهبانانی داشتند که آذریان خوانده می‌شدند.

در دین زردشتی، آتش جلوه‌ی اهورامزداست. تجلی خداوند به صورت نور و آتش در ادیان، یک تم عمومی است. فلاسفه‌ی طبیعت‌گرای یونان، آتش را یکی از عناصر

اصلی خلقت می دانستند و هراکلیتس فیلسوف یونانی، آتش را سرچشمه‌ی حیات می داند. (نک: فلسفه یا پژوهش حقیقت، بخش اول فلاسفه‌ی پیش از سقراط).

در یهودیت، خداوند به صورت بوته‌ای مشتعل بر موسی تجلی کرد. آن گاه که موسی در طور سینا درخواست رؤیت خداوند را نمود، خداوند به صورت ناری بر او تجلی کرد و این تجلی خداوند به صورت نور، نقطه‌ی تلاقی لاهوت و ناسوت است و مبدا پیدایش آیین یهود. (خروج، ۳: ۴-۱)

بعد از مرگ و رستاخیز عیسی مسیح، روالقدس به صورت زبانه‌های آتش بر حواریون سرگردان، تجلی کرد و موجب قوت قلب و تقویت ایمان آنها گردید. (اعمال رسولان ۲: ۳)

در "عهد جدید" نیز چنین آمده است: «یحیی تعمید دهنده گفت: من شما را با آب تعمید می‌دهم، ولی خواهد آمد آن بزرگتر از من که شما را با آتش روح القدس تعمید خواهد داد.» (لوقا، ۳: ۱۶) در اسلام نیز خداوند، نور است. قرآن کریم از خدایی سخن می‌گوید که «نورالسموات و الارض» است. در آیین هندویی آتش (= اگنی) واسطه‌ی بین خلق و خداست. مومنان هندویی به درگاه اگنی التماس می‌کنند تا در مراسم دعا و نیایش آنها حضور یابد و دعا‌های آنان را به درگاه برهمن برساند. اگنی را مهمان محراب قربانی گویند. او در خانه‌ی هر آریایی به صورت "اگنی ویشوانارا" یعنی "اگنی" بین همه موجود است. (شایگان، ۱۳۷۵: ۶۸/۱)

در ایران باستان، آتش دارای انواع گوناگونی بود و اهمیت آنها نیز یکسان نبود. در یک طبقه بندی، سه گونه آتش وجود دارد که به ترتیب اهمیت عبارتند از: ۱- آتش بهرام که طی مراسم ویژه‌ای از ۱۶ آتش مختلف تهیه و تطهیر می‌گردد ۲- آتش آذران که از چهار آتش تهیه می‌شود و مراسم تهیه و تطهیر آن از آتش بهرام ساده‌تر است. ۳- آتش دادگاه که از آتش منازل تهیه می‌شود. (بندهش، ۱۲۳/۱۲۸)



آتش بهرام، در آیین زردشتی بسیار ارجمند است. زردشت از هرمزد پرسید که جهان بهتر است یا آتش بهرام هرمزد گفت: آتش بهرام بهتر از جهان است. زردشت پرسید چرا؟ هرمزد گفت: بدین روی که اگر آتش بهرام نمی بود جهان سامان نداشت. (روایت پهلوی/ فصل ۱۸) اهریمن در هفتمین نبرد خود علیه آفرینش مزدا بر آتش می تازد و آن را تیره و تار می کند. هرمزد توانا برای مقابله با او آتش را به پنج شکل می آفریند و در آفریدگان خود قرار می دهد. در این طبقه بندی که متناسب با محل آتش است آتش ها بر پنج گونه هستند که عبارتند از :

۱- برزی سوه<sup>۱</sup> در متون پهلوی این آتش به "بلند سود" ترجمه شده و در بندهش و شایست ناشایست نام آتشی است که در برابر اهورامزدا می سوزد این آتش در "گرودمان" آفریده شده است. (گزیده های زاد اسپرم، ۳/۷۷)

۲- آتش وهوفریانه<sup>۲</sup> که به فرنافتار (=دوستدار نیکی) معنا می شود آن است که در تن مردمان و جانوران است. از این آتش است که بدن ها گرم و زندگی در جریان است. نگه داشتن تن و روشن ساختن چشم از وظایف اوست. (بندهش/۱۲۳)

۳ - آتش اورواشیتته<sup>۳</sup> به معنای "شادمانی بخشنده تر" است و آن است که در گیاهان است. زمین سفتن، آب را تراویدن شکوفا گردانیدن گیاهان و نیک چهره و خوشبوی کردن آنها و میوه رسانیدن از وظایف اوست. (نک: گزیده های زاد اسپرم، ۳/۷۹)

۴- آتش وازیشته<sup>۴</sup> که به "برکت بخشنده" معنا شود و آن آتش آذرخش است که از گرز ایزد تیشتر شراره می کشد و در پهنه آسمان دیو اپوش را هلاک می گرداند. (نک: گزیده های زاد اسپرم ، ۳/۸۰)

<sup>۸</sup> . Barazi savah.

<sup>۹</sup> . vohu fryana.

<sup>۱۰</sup> . urvazista.

<sup>۱۱</sup> . vazista.

۵- آتش اسپنیشته<sup>۱</sup> که به معنای "مقدس‌تر" است و به گیتی به کار داشته شود. همان آتشی است که در کانون‌های خانوادگی جای دارد و نیز آتش بهرام است که در پیشگاه اهورامزدا مشتعل است و در گرودمان آفریده شده است و تجلی مادی و زمینی آن آتش سوزان زمینی است. (ر.ک. گزیده‌های زاد اسپرم ، ۳/۸۱)

آتشکده ها نیز در ایران باستان از شأن بالایی برخوردار بوده اند، از آتشکده‌های معروف ایران باستان که با سه طبقه‌ی جامعه‌ی ایرانی در ارتباط‌اند، می‌توان سه آتشکده‌ی ذیل را نام برد:

۱ - آتشکده‌ی آذرفرنبغ: به معنای "دارنده فر ایزدی" و برترین آتشکده‌ی دوران ساسانیان است که از آن موبدان و اشراف بوده است. بنابر متون پهلوی این آتشکده در اعصار کهن در خوارزم بوده و سپس به فارس انتقال یافت. این آتش به صفت ورجاوند توصیف شده است. (نک: بندهش، ۱۲۴/۱۲۸)

۲- آتشکده‌ی آذرگشنسب: دومین آتشکده‌ی معروف دوران ساسانیان که از آن ارتشتاران بوده و با صفت "تکاور" توصیف شده است. این آتشکده در آذربایجان جای داشته است و خرابه‌های آن، امروزه در تخت سلیمان بر جای مانده است. (همان)

۳- آتشکده‌ی آذربرزین مهر: که ویژه‌ی کشاورزان بوده و در ریوند خراسان جای داشته است. در متون فارسی میانه با صفت "پرسود" توصیف شده است (همان)

این سه آتش، تا فرارسیدن فرشگرد، پاسبانی از جهان و جهانیان را بر عهده دارند. هرمزد در آغاز آفرینش، همه‌ی زمین را برای پاسبانی به آذرفرنبغ ورجاوند، آذرگشنسب تکاور و آذربرزین مهر پرسود سپرد. (همان، گزیده‌های زاد اسپرم ، ۳/۸۱)

این سه آتش، در آغاز آفرینش یکی بیش نبودند، اما در زمان پادشاهی تهمورث، آن گاه که مردم بر پشت گاو سریشوک از جایی به جایی سفر می‌کردند شبی در

<sup>12</sup> . spanista.

نیمه‌ی راه بر اثر بادی سخت آتشی‌ای که آتش در آن بود و بر پشت گاو قرار داشت به دریا افتاد و به سه بخش شد و سه آتش پدید آمد (گزیده‌های زاد اسپرم، ۳/۸۱)

یسن ۶۲ نیز که دارای ۱۳ بند است در ستایش آتش است. در این هات، مؤمنان زردشتی در ضمن ستایش آذراهورامزدا از او می‌خواهد که به آنها زندگی دراز، دانایی، راستی، زبان شیوا، روان هوشیار، خرد فراوان، فراگیر نابود شدنی، فرزندان کاری، دین گستر، کشور پرور، انجمن آرا و... ارزانی دارد. (نک: یسنا، هات ۶۲)

فرگرد ۱۱ و ندیداد نیز با توجه به اهمیت و احترام آتش، به آداب تطهیر آن می‌پردازد. اشوزردشت در گاهان، آتش را تعیین کننده‌ی حق از باطل می‌داند. به وسیله‌ی آن داوری صورت می‌گیرد (یسنا ۱۲/۳۱؛ ۳۲/۷ و ۵۱/۹) و در یسنا در این باره چنین آمده است ای مزدا، هنگامی که به وسیله‌ی زبانه‌ی آذر، دروغ پرستان را از دوستان راستی تشخیص می‌دهی، سزا و پاداش هر یک را تعیین خواهی فرمود. (همان: ۴/۴۳)

در اندرز گواه زردشتیان آمده: ... آتشی که اندر گیتی مهر و اشویی را نماینده است گرامی دارید و به نسا و پلیدی نیالایید. در "اوستای پتت" یا توبه نامه زردشتیان آمده است: از هرگونه گناهی که از لحاظ معنوی نسبت به اشه و از لحاظ عادی نسبت به آتش از من سر زده، اگر آتش را پاک نگه نداشتیم، اگر آتش را کشتم و بوی خوش بر آن نهادم و یا هیزم تر و ناپاک و دود زا بر آن نهادم و یا با آن چیز پلیدی سوختم و پختم، یا به آذربان بدی کردم و گرامی نداشتیم و بدین وسیله اردیبهشت امشاسپند از من آزرده شد و ناخشنود گشت. از همه این گناهان پشیمان شده، توبه می‌کنم.

آتش، پسر هرمزد است و همیشه و همه جا مورد ستایش است. هرمزد، امشاسپند اردیبهشت را مأمور نگهبانی از او می‌کند. (یسنا، سراغاز، بند ۲) جشنی که برای ستایش آتش و شکرگزاری از این آفرینش برگزار می‌شود در اردیبهشت روز از فروردین ماه، یعنی سوم این ماه است "وربیهون" نامیده می‌شود. (خرده اوستا، آفرینگان و پیتوین)

درباره‌ی ارزش آتش و نحوه‌ی جمع آوری و مراقبت از آن در کتاب روایت پهلوی نیز مطالب جالب توجهی آمده است. (روایت پهلوی، فصول ۱۸ و ۳۷)

آتشی که در روشنی بی‌کران، یار و همدم اورمزد است از آمدن به زمین و پیوستن به نیروهای زمینی خودداری می‌کند، اما هرمزد توانا با او پیمانی می‌بندد و او را حاکم بهشت می‌گرداند و گریزی به او می‌دهد تا از هر کس خشنود نباشد او را به دوزخ افکند و بدین‌وسیله آسایش و شادی بندگان را وابسته به او می‌سازد. (روایت پهلوی، ۲۲- ۱۸/۲۱) و به همین دلیل است که در یسنا مؤمنان زردشتی، شادی و آسایش را از او طلب می‌کنند. (یسنا ۳/۳۶)

### ۳/۲- هات ۳۷

این هات دارای ۵ بند است و باستایش اهورامزدا که خالق جهان، راستی و نظم، آب، گیاه، زمین، روشنی‌ها و همه‌ی چیزهای نیکو است، آغاز می‌گردد. (بند: ۱) سپس شهریاری و بزرگواری و خوب کرداری او و نیز هنر آفرینش او مورد ستایش قرار می‌گیرد. (بند: ۲) در (بند: ۳) نیز اهورامزدا با نام‌های اهورایی و مزدایی ستایش می‌شود و این ستایش از صمیم قلب و از دل و جان است. در پایان این بند، فروشی مردان و زنان نیک، ستوده می‌شود. در بند پایانی نیز سه جلوه‌ی اهورامزدا-بهمن، شهریور و سپندارمذ و نیز دئای نیک و پاداش نیک مورد ستایش قرار می‌گیرند.

در بند (۳) فروهر مردان و زنان نیک، مورد ستایش قرار گرفته است. فروهر، یکی از پنج نیروی موجود در آدمی فروهر یا فروشی است که آفرینش آن پیش از آدمی و در روز نخست که هیچ کس و هیچ چیزی نبود، صورت گرفته است. هرمزد توانا فروهرها را آفرید و آنان بر خدایی او گواهی دادند. اینان جاودانانی هستند که پس از مرگ تن نیز زنده می‌مانند و در کارگاه هستی هرمزدی وظایف سنگینی بر عهده دارند. هرمزد، امشاسپندان، ایزدان و همه‌ی مردمان نیک، دارای فروهر هستند. چه آنان که زاده شده‌اند و چه آنان که هنوز به دنیا نیامده‌اند.

از میان فروهرها، فروهر اهورا مزدا قوی ترین، بهترین، زیباترین و داناترین فروهرهاست، (فروردین یشت، بند ۸۰) و در میان فروهرهای پاکان، فروهر آموزگاران نخستین آیین زردشتی، فروهر نجات‌بخشان آیین زردشتی قوی‌ترین فروهر یابند و فروهر مردان پاکی که زنده‌اند از فروهر مردگان قوی‌تر هستند. (فروردین یشت، بند ۱۸)

فروهر پاکان در هر جا و متعلق به هر کسی باشد خواه ایرانی باشد یا از دیگر کشورها از کیومرث تا سوشیانت پیروزگر مورد ستایش قرار می‌گیرد. (فروردین یشت، ۱۴۴/۱۴۵)

جانوران فروهر ندارند و این روان پاک آنهاست که ستوده می‌شود (همان: ۷۴) آتش اوروازشته و آفریده‌های ششگانه هرمزدی آسمان، آب، گیاه، حیوان و کیومرث دارای فروهرند، اما فروهرهای پنج آفریده نخستین بر فروهر کیومرث تقدم دارند. (همان: ۸۶ و ۸۵) فروهرهای بزرگ، قوی و دلیر و نیرومند و پیروزمند و درمان بخشند، به نوعی که بیان این صفات به شرح ننگجد. (فروردین یشت: ۶۴) چون خیال تیز پروازند و آن گاه که خواهند ای نیک و پارسا از آنان یاری خواهد از آسمان فرود می‌آیند و او را یاری می‌کنند. (همان: ۴۲)

به علت دارا بودن نیرو و قوای فراوان، بازدارنده‌ی دشمنان از تهاجم هستند و ستاینده‌ی پاک‌دین خویش را پیروزی می‌بخشند. (همان: ۲۶) از آنجا که اینان نیز جنگجویانی دلیر هستند یار و یاور جنگجویان و تکاوران پارسا هستند. (همان: ۶۳)

فروهرها از یاران و کمک کاران هرمزد هستند و این به صورت‌های گوناگونی انجام می‌گیرد. آنان از آفرینش‌های هرمزدی مراقبت می‌کنند و موجب تقویت و افزونی نیروهای اهورایی در مبارزه با نیروهای اهریمنی می‌گردند و جهان را از تباهی و نابودی محفوظ می‌دارند و آب و گیاه و خورشید و ماه و ستارگان و مردمان نیک کردار، هر کدام به نوعی از کمک این فروهرها برخوردارند. اینان به آب‌های راکد فرمان حرکت می‌دهند و تأمین کننده، آب تمام کشورهایند. (همان: ۵۳) و نیز

گیاهان را رنگ و بو می‌بخشند و باغ‌ها را زینت می‌دهند و می‌آرایند (همان: ۵۵) و مسیر حرکت ماه و خورشید و ستارگان را پاک و هموار می‌گردانند. (همان: ۵۷) گاو یکتا آفریده و مردمان نیک که برترین آفریدگان هرمزدی هستند از یاری فروهرها برخوردارند. آدمی از آن گاه که در شکم مادر هستی می‌گیرد تا گاه زادن در پناه ایشان است. (همان: ۲۲) این فروهرها ایند که نطفه‌ی زردشت را پاسبانی می‌کنند تا سوشیانتها از نسل اول او زاده شوند و جهان را نو و تازه گردانند (همان: ۶۱) و در سایه‌ی این یآوری فروهرهاست که هرمزد جهان خویش را نظم و سامان شایسته‌ای داده و دروغ را ناتوان می‌سازد و جهان مادی را از وجود دروغ پاک می‌گرداند. (همان: ۱۲) فروردین یشت بلندترین یشت اوستاست که به بیان ویژگی‌های فروهرها پرداخته است و گذشته از آن یسنای ۲۳ و ۲۶ نیز درباره‌ی فروهرها اطلاعات جالبی دارد. (برای اطلاعات بیشتر در این باره رجوع شود به متن یشت‌های مذکور) شاید بتوانیم با اندکی تساهل فروهرها را با "مثل افلاطون" و "اعیان ثابته" در عرفان اسلامی مقایسه کنیم. فروهرها در واقع ظهور موجودات در مرتبه علم الهی‌اند، قبل از آنکه لباس تعین و تقید و تکثر بر تن کنند.

در هات ۳۷ دئنا نیک نیز ستوده شده است. اکنون به دین یا دئنا می‌پردازیم. دئنا<sup>۱</sup> به دو معنی دین و وجدان به کار رفته است. دین در معنی کیش همیشه با صفت مزدیسنا به کار رفته است. او دختر هرمزد و سپندارمذ و خواهر سروش و رشن و آرد است. دین، راست‌ترین علم مزدا آفریده، مقدس، نامدار، تند کنش، به مقصد نیک رساننده و گشایش نیک دهنده است. (همان: ۱۲)

دین، راه نیک اندیشیدن، گفتن و رفتار کردن را به انسان می‌آموزد. قوتِ پاهای، شنوایی گوش‌ها، بینایی چشمان، زور بازوان و سلامتی تن، از دین است. (برای اطلاعات بیشتر در این باره به متن یشت‌های مذکور مراجعه کنید) زردشت با این ستایش از دین یاد می‌کند: اگر راست‌ترین علم مزدا آفریده‌ی مقدس، اگر تو در پیش

13. daena.

باشی منتظر من بمان، اگر در دنبال باشی به من برس. (نک: دین یشت، کرده ۱، بند ۱).

دئنا، در معنای وجدان یکی از پنج قوه‌ی باطنی انسان است که او را از کردار بد و خوب آگاه می‌سازد و در روز رستاخیز نیز کردار خوب و بد آدمی بر فراز پل چینود به شکل دوشیزه‌ای زیبا یا عجزه‌ای زشت روی، مجسم می‌شود و انسان را به بهشت یا دوزخ رهنمون می‌سازد. به موجب اوستای جدید، بدن آدمی از پنج نیرو تشکیل شده است که عبارتند از:

۱ - اهو: نیروی جنبش، حرکت و حرارت غریزی زندگی است.

۲ - دئنا: نیروی ممیزه و وجدان و نوعی شعور باطنی است که انسان بدان خوب را از بد تمییز می‌دهد.

۳ - بئوذ: نیروی فهم و درک است.

۴ - اورون: ذره‌ی مینوی و برترین اجزای متشکله‌ی نیروهای آدمی است. از عالم بالاست و به آنجا هم بر می‌گردد. (رضی، ۱۳۹۴: ۳۹۸)

دین یا وجدان در تعیین سرنوشت آینده‌ی هر فرد نقش اساسی دارد. گاهان درباره‌ی سرنوشت روان پس از مرگ تصویر روشنی به‌دست نمی‌دهد. اما در اوستای نو و منابع پهلوی (دادستان دینی، روایت پهلوی، مینوی خرد و بندهش، توصیف کاملی در این باره آمده است. (میرفخرایی/ ۱۳۸۶: ص هشت مقدمه) در فرگرد دوم و سوم "ها دخت نسک" نیز از سرنوشت روان پرهیزکاران و گناهکاران و نقش دئنا در این مورد سخن گفته شده است. (برای اطلاعات تفصیلی نک: همان، کرده ۳ و ۲)

## ۴/۲- هات ۳۸ :

این هات دارای ۵ بند است. در (بند ۱) زمین و زنانی که پیرو راستی و درستی هستند و به اهورا مزدا، خدای خردمند گرویده‌اند، ستایش می‌شوند. در (بند ۲) همه نیکی‌ها و آفرینش نیک اهورایی از قبیل آیین نیک، آرزوی نیک، هوشمندی و آرامش و پاداش و نعمت و برکت و نام و دهش نیک ستوده می‌شوند. در (بند ۳) آبهای ایستا و روان، رودها و چشمه‌ها و آبهای فرو ریزنده (=آب باران) که موجب آبادانی و برکت بخشی و فراوانی نعمت می‌شوند مورد ستایش قرار می‌گیرند. در بند (۴) آبها با نام-هایی که اهورامزدا بر آنان نهاده است ستایش می‌شوند و برکت بخشی از آنها طلب می‌شود. در بند (۵) از آنها و ابرهای باران‌زا که زمین و زمینیان را سیراب می‌گردانند و برکت می‌بخشند و به مادرانی شیرده تشبیه شده‌اند که کودکان خود را شیر می‌دهند و موجب رشد آنها می‌شوند، یاری و برکت طلبیده می‌شود.

## عناصر برکت‌بخش به جهان نیک اهورایی:

در این هات، به عناصری از قبیل زمین و زن و آب و ابر و باران اشاره شده است که خاصیت همه‌ی این عناصر برکت‌بخشی و فزونی‌بخشیدن به جهان نیک اهورایی است. زمین که رویاننده‌ی گیاهان است و غذای انسان‌ها و حیوانات را تأمین می‌سازد، زنان نیز از عناصر باروری‌اند و ابرهای باران‌زا که با ریزش باران در از میان بردن انواع بیماری‌ها و عدم بروز قحطی و خشکسالی که پدیده‌هایی اهریمنی‌اند، مؤثر هستند. (وندیداد، فرگرد ۲۱، ۳ و ۲).

در دین زردشتی وظیفه‌ی انسان است که بین خیر و شر تمییز بگذارد و از هر اقدامی که موجب کمک و مساعدت به قوای اهورایی می‌شود، دریغ نرزد. زنان با آوردن فرزند باید در جهت تقویت و فزونی اردوگاه نیروهای اهورایی و تضعیف اردوگاه نیروهای اهریمنی بکوشند. لذا بدین جهت سزاوار ستایش‌اند. آب‌ها و رودها و چشمه-سارها نیز که باعث خرمی و شادابی و طراوت جهان مادی می‌گردند و از بروز قحطی و خشکسالی جلوگیری می‌کنند، شایان ستایش‌اند و از اهمیت بالایی برخوردارند به-



طوری که آلوده کردن آب‌ها از گناهان بزرگ محسوب می‌شود و جانوران و خرفستران مودی که آب‌ها را آلوده می‌کنند واجب است که کشته شوند. قورباغه یکی از این خرفستران است که آب‌های صاف را آلوده می‌کند.

آب در دین زردشتی دارای مقام ارجمندی است و دارای ایزدی است بنام اردویسوره اناهیتا که منشأ همه‌ی پیشرفت‌ها و گسترش‌های مادی است. بدون او چهره‌ی جهان تاریک و دردآلود است. افزایش گله و رمه ثروت و توانگری از اوست. هرمزد توانا او را از نیروی خرد خویش آفریده است تا خانه و کشور را بپاید و دیوان را نابود کند و جهان مادی را پیش برد. (آبان یشت، بندهای ۱ و ۶)

او نه تنها بالنده جهان و شادی بخش مردمان و پرورش دهنده چهارپایان است، بلکه خود از توانگری‌های مادی، بهره فراوان دارد. (همان، بند ۱۰۱) او زینت بخش جهان و آبادگر آن است و از جمال بهره‌ی بسیار دارد. دوشیزه‌ای است جذاب، برومند و شاداب و آزاده‌نژاد که کفش‌های درخشان به پا و تاجی زرین بر سر دارد. (همان، بند ۶۴)

هرمزد، گردونه‌ای از چهار اسب سفید که ابر و باد و باران و تگرگ هستند برای او ساخته است. (همان، بند ۱۰۲) باد، باران، ابر، برق و برف هر یک به نوعی او را کمک می‌کند و مددکار او هستند. (بندهش، ۷) آب و گیاه همانند دو امشاسپند نگهبان آنها، یعنی خرداد و امرداد. مظهر بی‌مرگی و تندرستی هستند. این دو خواهر توأمان در برابر گرسنگی و تشنگی می‌ایستند و با نابودی این دو دیو، آفرینش هرمزدی را قوام می‌بخشند. (یسنا، ۵۱/۷)

نامدارانی چون هوشنگ و جمشید و فریدون و گرشاسپ و دیگران برای ایزد آب قربانی گذارده‌اند و از او یاری و کمک طلب کرده‌اند تا بر دیوان و جادوگران پیروز شوند. (ر.ک. آبان یشت، ۲۱، ۲۵، ۳۳، ۳۷، ۴۵، ۶۸)

زردشت نیز او را ستوده است و از برای استقرار دین بهی کمک می‌جوید. یشت پنجم اوستا نیز که از زیباترین و بلندترین یشت‌های اوستاست به "آبان یشت" موسوم است. (نک: آبان یشت) آفرینش آب از روز شانزدهم اردیبهشت تا یازدهم تیرماه (=۵۰ روز) به طول می‌انجامد و به نشانه‌ی شکرگزاری از این بخشش هرمزدی از روز یازدهم تا پانزدهم تیرماه، جشنی برپا می‌شود که گاه‌باز "میدیوشم" خوانده می‌شود. (بندهش، ۲۳) در خرده اوستا نیز نیایشی به اردویسوربانو نیایش اختصاص دارد. (نک: خرده اوستا، اردویسوربانو نیایش)

#### ۵/۲- هات ۳۹ :

این هات دارای (۴) بند است. در (بند ۱) روان جهان و سازنده‌ی آن روان‌های آدمیان و حیوانات که مایه‌ی زندگی هستند، ستایش می‌شوند. در بند (۲) روان‌های جانوران سودمند دشتی و نه خرفستران و جانوران موذی و نیز روان‌های پاک مردان و زنان اشون و پیرو راستی و درستی که برای پیروزی و غلبه‌ی اشته کوشیده‌اند و می‌کوشند و خواهند کوشید، در هر کجا که باشند چه در ایران یا دیگر سرزمین‌های مخلوق اهورامزدا، ستایش می‌شوند.

در (بند ۳) نیک‌مردان و نیک‌زنان و امشاسپندان جاودان و پیروز که دارای منش نیک اند، مورد ستایش قرار می‌گیرند. در (بند ۴) مؤمنان زردشتی، خطاب به اهورامزدا اظهار می‌دارند: ای اهورامزدا، همان‌گونه که تو نیک‌اندیش و نیک‌گفتار و نیک‌کرداری، ما نیز با پیروزی از اشته، چنین روشی را در پیش می‌گیریم و روی به سوی تو داریم. در بند پایانی، تخلق به اخلاق اهورایی مورد تأکید قرار می‌گیرد. (نک: یسنا، هات ۳۹، بندهای ۴-۱)

## بئوده و اشه:

در بند (۱) به روان جهانی و انسان و حیوانات اشاره شده است. طبق آموزه‌های آیین زردشتی کل جهان خلقت و آفریده‌های آن دارای روان است که بئوده نام دارد. این روان، مایه زندگی است و قوام و دوام موجودات بدان وابسته است.

در بند (۲) کوشش برای آشه ستایش شده است، دین زردشتی دینی است که به زندگی امیدوار است و نظری خوشبینانه نسبت به زندگی دارد. برخلاف آیین‌های هندوی و جایی و بودایی که دیدگاهی منفی نسبت به حیات و جهان دارند و آن را مایه اسارت و درد و رنج می‌دانند و وصول به نجات را در رهایی از چرخه‌ی دایم اسیر سمساره می‌پندارند.

دین زردشتی، دید مثبتی به زندگی دارد و کار و کوشش و فعالیت را در زندگی توصیه می‌کند، چون که با کار و فعالیت گیتی و جهان اهورایی آبادتر و جهان اهریمنی، ضعیف‌تر می‌گردد. یکی از اساسی‌ترین وظایف یک زردشتی مؤمن این است که جهت گسترش و تقویت ناموس هستی، در راه اشه گام بردارد و فعالیت نماید. زردشت مانند بودا نمی‌گوید: رهایی هر کسی در نیستی اوست و آدمی باید از همه لذت‌های این جهان دست بشوید و در گوشه‌ای به ریاضت پردازد، بلکه می‌گوید: آدمی برای کامروایی فردی و اجتماعی آفریده شده و زندگی ستیزه و مبارزه‌ی دیرپایی است بین نیکی و بدی و برماست که با کار و کوشش، همواره پشتیبان راستی و درستی باشیم و با زشتی و پلیدی نبرد کنیم.

در بند (۳) امشاسپندان با دو صفت "جاودان" و "پیروز" وصف شده‌اند. این دو صفت بدان خاطر است که امشاسپندان ازلی و جاودان هستند و از آنجا که هر کدام از آنها حافظ پاره‌ای از عناصر جهان هستی و آفریده‌های اهورایی هستند و با محافظت از آنها در برابر حملات اهریمن، موجب پیروزی نیروهای اهورایی و شکست اهریمن می‌گردند.

۶/۲- هات ۴۰ :

این هات دارای (۴) بند است. در بند ۱-۲ مؤمنان زردشتی از اهورامزدا، خدای متعال می‌خواهند تا به عنوان پاداش دینداری آنها، همنشینی با اهورامزدا و اشه را در دنیا و آخرت نصیب آنها سازد. در بندهای ۳-۴ از اهورا مزدا خواسته می‌شود آن‌چنان کند که ارتشتاران به اشه و درستی و راستی بگروند. اشه‌جو باشند و کشاورزان را نیز که طبقه کوشا و فعال و آبادگر و برکت بخش جامعه هستند، با آتروبانان که نماینده‌ی طبقه‌ی دینیاران هستند، همگام و همراه سازد و در نتیجه، همگی پویای راه اشه باشند. (نک: یسنا، هات ۴۰)

۷/۲- هات ۴۱ :

این هات نیز که آخرین فصل هفت هاء است دارای (۵) بند است. در بند (۱) مؤمنان، سرودهای ستایش و نیایش خود را به پیشگاه اهورامزدا و اردیبهشت، تقدیم می‌دارند و تنها آن را سزاوار و لایق این سرودها می‌دانند و بس. در بند (۲) مومنان آرزوی پایداری و دوام شهریاری نیک اهورامزدا را دارند و می‌خواهند که در این دنیا و نیز سرای آخرت فرمانروایی کند از بند (۳) به بعد مؤمنان زردشتی آرزو می‌کنند که در دو جهان اهورامزدا حافظ و نگهبان تن و جان آنها باشد و زندگانی دراز و قرین کامیابی را به آنها ارزانی دارد و همیشه آنها را در پناه خود جای دهد و پاداش شایسته، همانا همنشینی و قرین شدن جاودانه با اهورامزدا و اشه است چه در زندگی کنونی و چه در جهان مینوی. (نک: یسنا، هات ۴۱)

**وظیفه و پاداش**

در متون اوستایی دو امشاسپند بهمن و اشه تقریباً دارای مقام یکسانی هستند. گاهی بهمن به اهورامزدا نزدیک است و گاهی نیز اشه به او نزدیک می‌شود. در هفت فصل، این اشه است که همیشه بعد از اهورا مزدا می‌آید و در میان امشاسپندان دارای مقام اول است.

نکته دیگری که در این هات به آن اشاره شده است، فرمانروایی نیک است. در ایران باستان فرمانروا باید نیک کردار باشد و به حال رعایا به خوبی رسیدگی کند و وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد. چون در غیر این صورت از مقامش خلع خواهد شد. شاید به همین دلیل باشد که در کتیبه های بازمانده از پادشاهان هخامنشی و ساسانی، ما شاهد آن هستیم که پادشاه در درجه اول اقدامات خود را شرح داده است و می خواهد نشان دهد که وظایف خود را انجام داده و در آن قصور نورزیده است.

در این هات به پاداش اشاره شده است. در دین زردشتی، پاداش با دئناى انسان در ارتباط است اگر انسان نیک کردار باشد و شایسته‌ی پاداش، دئناى او برفراز پل چینود به شکل دوشیزه‌ی زیبارو در خواهد آمد و او را به بهشت رهنمون می سازد و در غیر این صورت دئناى او به شکل عجزه‌ی زشت مجسم می شود و او را به جهنم می کشاند.

### نتیجه

ماحصل پژوهش در یسنای کهن هفت فصل ایرانیان باستان، نکات زیر است که به اختصار مورد اشاره واقع می‌شود.

- ۱- این فصول از اجزای کهن و قدیمی اوستا است.
- ۲- هات ۳۵ در ستایش اهورامزدا، امشاسپندان و هستی های پاک دنیوی و مادی به امید تقویت و فزونی راستی و درستی و دین نیک مزديسناست. به سه اصل اساسی دین زردشتی یعنی اندیشه، کردار و گفتار نیک اشاره می‌شود.
- ۳- هات ۳۶ بحث پیرامون ستایش آتش است. در این هات آذر وسیله‌ای است که مؤمنان زردشتی با توسل به آن به اهورامزدا نزدیک تر می‌شوند

- ۴- در هات ۳۷ فروهر مردان و زنان نیک مورد ستایش قرار گرفته است. فروهر، یکی از پنج نیروی موجود در آدمی است که آفرینش آن پیش از آدمی و در روز نخست صورت گرفته است.
- ۵- در هات ۳۸ به عناصری از قبیل زمین و زن و آب و ابر و باران اشاره شده است که خاصیت همه این عناصر برکت بخشی و فزونی بخشیدن به جهان نیک اهورایی است.
- ۶- هات ۳۹ در ستایش روان جهان و سازنده آن روان های آدمیان و حیوانات مفید که مایه زندگی هستند، می باشد.
- ۷- در هات ۴۰ مؤمنان زردشتی از اهورامزدا خدای متعال می خواهند تا به عنوان پاداش دینداری آنها، همنشینی با اهورامزدا و اشه را در دنیا و آخرت نصیب آنها سازد.
- ۸- در هات ۴۱ مومنان آرزوی پایداری و دوام شهریاری نیک اهورامزدا را دارند.

### منابع:

- بهار، مهرداد، ۱۳۷۵ ادیان آسیایی، تهران، نشر چشمه.
- دوستخواه، جلیل، (۱۳۸۲) اوستا، تهران، انتشارات مروارید.
- رضی، هاشم، (۱۳۹۴) اوستا (گائاه‌ها، یسنا، یشت‌ها، ویسپرد و خرده اوستا)، تهران، انتشارات بهجت.
- روایت پهلوی، (۱۳۹۰) تصحیح مهشید میرفخرایی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شایگان، داریوش، (۱۳۷۵) ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، جلد اول، انتشارات امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۴) شاهنامه، تصحیح ژول مول، انتشارات سخن، چاپ پنجم.
- فرنیغ دادگی، بندهش (۱۳۶۹) گزارنده مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- کتاب مقدس، (ترجمه تفسیری)، (بی تا) انتشارات انجمن کتاب مقدس.
- گزیده‌های زاد اسپرم (۱۳۶۶) ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- گلدنر، کارل فردریش، (۱۳۸۲) اوستا، کتاب مقدس پارسیان، ترجمه و مقدمه ژاله آموزگار، تهران، نشر اساطیر.
- میرفخرایی، مهشید، (۱۳۸۶) بررسی هادخت نسک، انتشارات تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.

- Jackson, A.V. Williams, Avesta, edited by James Hestings, Encyclopedia of religions and ethics, VII.